

آگاهان اقتصادی در پیوند به فروش کابل بانک نو به یک شرکت پاکستانی:

## هدف پاکستانی‌ها از خرید کابل بانک نو، استفاده استخباراتی است



صفحه ۶

احمدولی مسعود:

## ...حتا وحدت ملی را برهم زدند



ضعف در داخل حکومت است. حالا که بگویم ضعف از کدام شان است فکر می‌کنم هردوی شان مسئولیت یکسان دارند. در قسمت عملی ساختن توافق‌نامه، هردوی شان تلاش کنند، اگر توافق‌نامه شکست بخورد یکی ناکام و دیگری کامیاب نمی‌شود، بلکه هردوی شان مسئولیت یکسان خواهند داشت. ضعف اول این است که اراده ندارند و هیچ‌کار مقدماتی را انجام نداده‌اند. فکر می‌کنم که داکتر اشرف غنی رییس جمهور که باید این کار را کند، آجندای دیگری دارد! نمیدانم که چی هست اما عملی ساختن توافق‌نامه سیاسی در آجندای او نیست، اگر تا پنج ماه دیگر شاهد برگزاری لویه جرگه قانونی، و شاهد عملی کردن توافق‌نامه سیاسی و ساختارهای جدید در نظام سیاسی نباشیم، کشور به تراژدی عمیق تری سقوط می‌کند که در این جای شکی نیست

صفحه ۶

## «حکومت دې د سولې د خبرو لپاره ځانگړې ستراتیژي جوړه کړي»

سره له دې چې حکومت په نږدې راتلونکي کې له طالبانو سره د سولې د احتمالي خبرو لپاره د تیاری خبرې کوي، د مشرانو جرگې ادارې پلاوی او یو شمېر غړي وايي چې طالبان د خپلو حملو په زیاتولو سره، د سولې خبرو ته حاضر نه دي. د مشرانو جرگې ادارې پلاوی او یو شمېر غړي وايي، حکومت باید په دې پروسه کې پوره احتیاط وکړي. د مشرانو جرگې لومړي مرستیال فرهاد سخي وویل: موږ هم خپل غږ د ملت له کوره د ملي یووالي حکومت ته رسوو چې د سولې په پروسه کې دې په غور سره عمل وشي. دا توپیر باید موجود وي چې سوله له چاسره وشي او له چا سره ونه شي. د مشرانو جرگې ځینې غړي وايي، هرکله چې له طالبانو سره د سولې خبره راپورته شوې او پرمختګ په کې شوې، طالبانو خپلو حملو ته زور ورکړی دی.



د مشرانو جرگې ادارې پلاوی له حکومتو غواړي چې له وسله والو طالبانو سره دې د سولې د خبرو لپاره ځانگړې ستراتیژي جوړه کړي. د دې جرگې لومړي مرستیال فرهاد سخي د سې شنبې په ورځ د جرگې په عمومي غونډه کې وویل، حکومت په دې پروسه کې په غور سره عمل وکړي.

معلولان:

## حقوق ما را بدهید

این اداره از چهار سال پیش به این سو به وسیله فردی به عنوان سرپرست اداره می‌شود. مقام‌های ولایت تخار تایید کرده‌اند که به دلیل کمبود بودجه نتوانسته‌اند حقوق معلولان و بازماندگان جنگ را بپردازند، اما می‌افزایند که تا یک ماه دیگر حقوق آن‌ها پرداخته خواهند شد. حبیب‌الله شریفی، رئیس اداره کار و امور اجتماعی تخار، گفت که عدم پرداخت حقوق معلولان و بازماندگان قربانیان جنگ محدود به ولایت تخار نیست، بلکه در سراسر افغانستان این مشکل وجود دارد. به گفته او، دلیل این امر نبود پول و عدم انتقال به موقع پول به حساب وزارت کار و امور اجتماعی است. آقای شریفی افزود که اگر پول به این حساب می‌رسید، به عنوان حق مسلم معترضان به آن‌ها توزیع می‌شد.

دهها معلول و بازماندگان خانواده‌های قربانیان جنگ در شهر تالقان در شمال افغانستان در اعتراض به عدم پرداخت حقوق خود اقدام به تظاهرات کردند. این معترضان می‌گویند معلولان و بازماندگان قربانیان جنگ به حدود دو هزار نفر می‌رسند که از سه سال به این سو حقوق ماهیانه خود را نگرفته‌اند. آن‌ها علیه حکومت وحدت ملی شعار دادند و در میدان مرکزی شهر تالقان، مرکز ولایت تخار به رسم اعتراض خیمه تحصن برپا کردند که شماری زن هم در میان معترضان حضور داشته‌اند. معترضان گفتند اگر حقوق معلولان و وراثان شهدا داده نشود، تجمع ما برای پنج تا ده روز ادامه خواهد یافت. همین جان خیمه می‌زنیم تا دولت به ما جواب مثبت نداده این چهارراه را ترک نمی‌کنیم. برخی از معترضان مسئولان اداره کار و امور اجتماعی ولایت تخار را به بی‌کفایتی متهم کردند. به گفته آنها،

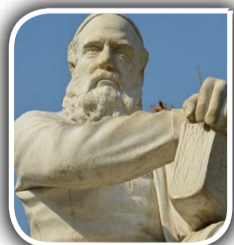
در برگه ها



افغانستان و جنگ تریاک



سامان مندی قدرت در اندیشه افلاطون



طبیعت و ماورای طبیعت در آثار و افکار خیام



روی ورزشکاران سرمایه‌گذاری نمی‌شود

## کشف مخفیگاه جنگ افزار شبکه حقانی در کابل



سربازان امنیت ملی طی یک عملیات خاص، یک مخفیگاه سلاح و مهمات شبکه تروریستی حقانی را از قریه تره خیل ولسوالی ده سبز ولایت کابل کشف کردند. در خبرنامه‌یی که این اداره دیروز سه‌شنبه ۲۴ حمل منتشر کرده، آمده است: «موظفین ریاست عمومی امنیت ملی طی عملیات از مربوطات قریه تره خیل ولسوالی ده سبز ولایت کابل یک مخفیگاه سلاح و مهمات مربوط شبکه تروریستی حقانی را کشف کردند». این مهمات و سلاح شامل ۲ قبضه راکت انداز RPGV با ۴ فیرمرمی آن، ۱۱ حلقه ماین مقناطیسی، ۱۷ عدد کپسول برقی انفجاردهنده ماین، سه عدد تستر ماین و ۶ عدد مابایل نوع نوکیا است. اداره امنیت ملی می‌گوید که شبکه تروریستی حقانی قصد داشت با استفاده از سلاح و مهمات مذکور حملات تخریبی و تروریستی را بر میدان بین‌المللی حامد کرزی انجام دهند. این ادره می‌افزاید که در ارتباط به این موضوع یک نفر بازداشت گردیده است.

# افغانستان و جنگ تریاک

## افغانستان و جنگ تریاک

کشت کوکنار و تولید تریاک، عامل اساسی تداوم جنگ دو دهه اخیر در افغانستان است. تجربه جهانی از کشورهای «هلال طلایی» تا کشورهای امریکای لاتین به خصوص کولمبیا نشان می‌دهد: تا دولت‌ها نتوانند کشتزارهای مواد مخدر را نابود کنند، جنگ داخلی در کشورشان ختم نمی‌شود. طالبان و گروه‌های دهشت‌افکن و مافیای داخلی و بین‌المللی، همه در تولید و تجارت مواد مخدر ذی‌نفع‌اند. اگر کشت تریاک ختم شود، سرچشمه حیات و تمویل گروه‌های تروریستی قطع خواهد گردید. معلوم است که گروه‌های تروریستی و دهشت‌افکن در افغانستان برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های خود سالانه به صدها میلیون دلار ضرورت دارند، که منبع اصلی درآمد ایشان از درک کشت و قاچاق مواد مخدر است.

اکثر آگاهان امنیت بین‌المللی را عقیده بر آن است که فساد اداری در افغانستان ریشه در کشت و قاچاق مواد مخدر و در یک کلام در «اقتصاد تریاک» افغانستان دارد. مسلماً مافیای مواد مخدر در تار و پود دولت افغانستان ریشه دوانیده و عملاً بر مراکز قدرت و ثروت حاکمیت دارد.

تروریسم، تعصب (بنیادگرایی) و تریاک هم‌زاد همدیگرند. با این مثلث شوم و مخرب (ت، ت، ت) باید هم‌زمان مبارزه صورت گیرد. آنانی که فکر می‌کنند با تروریسم و بنیادگرایی مبارزه می‌کنند ولی به ترغیب کشت تریاک و تجارت مواد مخدر نیز می‌پردازند، باید بدانند که این راه به سراب می‌انجامد.

جنگ در افغانستان ریشه در کشت تریاک و قاچاق مواد مخدر دارد. تا زمانی که منبع تمویل جنگ که همانا کشت کوکنار و تولید تریاک و هرویین است نابود نگردد، جنگ ختم نخواهد شد. اگر رهبری دولت افغانستان و متحدین بین‌المللی ایشان به‌خصوص ایالات متحده به صلح در افغانستان می‌اندیشند، بهتر است قبل از هر کار دیگری، اراده سیاسی برای محو کشتزارهای کوکنار داشته باشند و برنامه‌های بدیل و عملی را در این زمینه اتخاذ نمایند.

## پانوش:

- برعکس در مناطقی که فرمانده مسعود تسلط داشت، نه تنها کشت کوکنار و بنگ ممنوع بود، بلکه هرگونه استفاده از مواد مخدر و دخانیات به شمول سگرت نیز ممنوعیت داشت.

- Afghan Opium Production Increases - Fold Since U.S. Invasion-35

به:

<http://www.breitbart.com/national-afghan-10/02/2015/security-fold--35-opium-production-increases/since-u-s-invasion>

- مراجعه شود به: International Affairs Review, Narco-Terrorism in Afghanistan: Counternarcotics and Counterinsurgency, <http://www.iar-39/gwu.org/node>

- نگاه کنید به: The DEplomat, The Narco-State of Afghanistan <http://thediplotmat.com/the-worst-narco-state-of-afghanistan> <http://www.democracynow.org/the-worst-narco-state-in-history>

- مجید بوالوردی - بررسی تأثیرات تولید مواد مخدر بر دولت ملی افغانستان

حدود ۲,۶ تا ۲,۷ میلیارد دلار سالانه از مدرک مواد مخدر به بانک‌های افغانی واریز می‌گردد که ۲۷٪ عاید ناخالص ملی (GDP) کشور را می‌سازد. «در تجارت و قاچاق مواد مخدر نه تنها قاچاق‌بران افغانی و بین‌المللی، بلکه شبکه وسیعی از قوماندانان و تفنگ‌سالاران محلی، پولیس و قوماندانان نیروهای سرحدی، بلکه مقامات ارشد دولتی در مرکز و محلات افغانستان شریک و ذی‌نفع‌اند.» برخی از تحلیل‌گران بین‌المللی را عقیده بر این است که ۷۰٪ مقامات دولتی افغانستان در تولید و قاچاق مواد مخدر سهیم‌اند. بر اساس آمار و ارقام ارایه شده، بیشترین مفاد از کشت مواد مخدر را مافیای داخلی و بین‌المللی به جیب می‌زنند و کمترین عاید نصیب دهقانان می‌شود.

مبارزه با مواد مخدر یا ترویج مواد مخدر؟

از آغاز تشکیل دولت تحت حمایت غرب و ایالات متحده در کابل، هم دولت افغانستان و هم متحدین بین‌المللی آن، یکی از اساسی‌ترین وظایف خود را مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر نامیدند و به تشکیل وزارتی به نام وزارت مبارزه با مواد مخدر، اقدام و میلیون‌ها دالر را در این عرصه به مصرف رسانیدند.

قرار ار قام منتشره از طریق سیگار و سایر منابع امریکایی، در این مدت ایالات متحده بیش از هشت میلیارد دالر را جهت مبارزه علیه مواد مخدر به مصرف رسانیده است. منابع بریتانیایی که بیشتر مسوول مبارزه با کشت کوکنار و نیز مسوول تأمین امنیت در ولایت هلمند هستند، می‌گویند که در این مدت حدود ۱۰,۷ بیلیون پوند را در این رابطه به مصرف رسانده‌اند.

اما با این همه مصارف و حتا مرگ هزاران سرباز افغانستانی، بریتانیایی و امریکایی، ارقام بیانگر این حقیقت‌اند که کشت و تولید تریاک ده‌ها بار بیشتر شده است!

دلایل فراوانی در این زمینه وجود دارد، ولی اساسی‌ترین آن‌ها قرار ذیل‌اند:

- از بین رفتن زیرساخت‌های اقتصادی کشور طی حدود چهار دهه جنگ اعلام‌نشده و تشنج‌های داخلی؛

- بی‌کاری، فقر اقتصادی و عقب‌مانده‌گی اجتماعی در میان دهقانان؛

- کم هزینه بودن کشت تریاک در مقایسه با سایر محصولات زراعتی؛

- به‌دست آوردن عاید بهتر از کشت کوکنار در مقایسه با سایر محصولات زراعتی؛

- تشویق و حتا تطمیع و تهدید دهقانان به کشت تریاک توسط گروه‌های مسلح محلی، تروریستان، مافیای داخلی و بین‌المللی دست‌اندرکار تجارت مواد مخدر؛

- دست داشتن ارگان‌های عالی‌رتبه محلی و مرکزی افغانستان در کشت و قاچاق مواد مخدر؛ - مهم‌تر از همه، نبود یک راهکار درست و اراده سیاسی برای مبارزه جدی با کشت کوکنار و تجارت مواد مخدر توسط رهبری دولت افغانستان و حامیان بین‌المللی آن.

## مواد مخدر و اعتیاد

بر اساس ارقام منتشره سازمان ملل در سال گذشته حدود ۲۴۶ میلیون انسان از مواد مخدر استفاده کرده‌اند که بخش عظیمی از این افراد را معتادان تشکیل می‌دهند. در افغانستان نیز حدود دو تا دو و نیم میلیون انسان که اکثر آن‌ها را جوانان تشکیل می‌دهند، معتاد به مود مخدر شده‌اند. اگر نفوس کشور را ۳۵ میلیون فرض کنیم، حدود ۷ درصد نفوس افغانستان در این مدت معتاد به مواد مخدر شده‌اند. این مسأله خطرناک‌ترین بعد تولید کوکنار است که نه تنها امروز بلکه آینده کشور را تهدید می‌کند. افراد معتاد نه تنها بر لشکر بی‌کاران کشور افزوده می‌شوند بلکه نیروی آماده‌ی اند برای جذب در گروه‌های تروریستی و جنایتکار.

## پیشینه کشت کوکنار

کشت کوکنار در افغانستان سابقه طولانی دارد. در گذشته‌های دور حتا در زمان حاکمیت شاه و جمهوری داوودخان نیز در برخی از نقاط افغانستان به‌صورت محدود کشت می‌شد، ولی در آن زمان فقط برای مصارف داخلی بود و محصولات آن نیز توسط دهقانان و یا «خوجین»های محلی به فروش می‌رسید. بعد از کودتای ثور و سقوط برخی محلات به‌دست برخی تنظیم‌های جهادی که مرکزیت‌شان در پاکستان بود، به تشویق آی‌آی‌آی پاکستان و نیز سازمان‌های امنیتی غربی کشت کوکنار رونق بیشتر گرفت. اما در سال ۱۹۹۴ زمانی که طالبان برای اولین‌بار موجودیت خود را با تصرف سپین‌بولدک قندهار اعلام داشتند و بعدتر در ولایات هلمند و قندهار سیطره خود را تأمین نمودند، کشت کوکنار سیر صعودی را پیمود؛ چنان‌که در سال ۱۹۹۹ در مناطق تحت تسلط طالبان، ۶۱۰۰ تن تریاک تولید گردید.

## حضور غرب و ترویج بی‌سابقه کشت کوکنار

ایالات متحده آمریکا و متحدین آن زیر نام مبارزه با تروریسم و مواد مخدر به افغانستان لشکرکشی کردند؛ ولی حقایق و گزارش‌های منتشره از جانب ملل متحد نشان می‌دهد که تولید مواد مخدر در افغانستان پس از ورود ایالات متحده و متحدین غربی آن، سیر صعودی را پیموده و ۳۵ بار افزایش یافته است. بریتانیا که از آغاز تشکیل حکومت موقت در سال ۲۰۰۲ مسوولیت مبارزه با کشت و قاچاق مواد مخدر را داشت و قطعات نظامی این کشور در ولایت هلمند (مرکز اصلی کشت کوکنار در افغانستان) جا‌به‌جا گردیده بود؛ نه‌تنها به نابودی یا حداقل به کاهش کشت کوکنار کمک نکرد، بلکه برعکس در مدت حضور آن‌ها در این ولایت، زمین‌های بیشتری تحت کشت کوکنار رفت و تولید تریاک سرسام‌آور بالا گرفت. ارقام نشان می‌دهد که در سال ۲۰۰۱ (قبل از ورود نظامیان بریتانیایی به هلمند) در افغانستان صرفاً ۱۸۵ تن تریاک تولید گردیده و این رقم در سال ۲۰۰۲ به ۳۲۰۰ تن و در سال ۲۰۰۴ به ۴۶۰۰ تن رسیده و بالاخره در سال ۲۰۰۴، افغانستان ۸۷٪ مواد مخدر جهان را تولید کرده است. در سال ۲۰۱۴ در افغانستان ۶۴۰۰ تن تریاک تولید شده و این کشور مقام اول تولید مواد مخدر در جهان را کسب کرده است.

ارقام منتشره اداره مواد مخدر و جرایم سازمان ملل، گویای این حقیقت است که در مدت حضور نیروهای بین‌المللی در افغانستان، مزارع بیشتری تحت کشت کوکنار قرار گرفته است. مثلاً در سال ۱۹۹۴ حدود ۷۱۰۰ هکتار زمین تحت کشت قرار داشت و این رقم در سال ۲۰۱۴ به ۲۲۴۰۰ هکتار رسید که بیش از سه برابر ازدیاد را نشان می‌دهد.

حدود ۸۹٪ تریاک در مناطق جنوب، شرق و جنوب غربی افغانستان تولید می‌گردد که بر اساس ارقام منتشره ملل متحد ولایات هلمند، قندهار، فراه و ننگرهار به ترتیب ولایاتی‌اند که بیشترین کشت کوکنار در این ولایات صورت می‌گیرد.

## چه کسانی از کشت کوکنار سود می‌برند؟

فروش مواد مخدر بعد از تجارت سلاح و نفت، سومین منبع عایداتی بزرگ کارتل‌های بین‌المللی محسوب می‌شود. عایدات سالانه مافیای بین‌المللی مواد مخدر، حدود ۳۹۰ تا ۵۰۰ میلیارد دالر تخمین شده است. بر اساس تخمین‌های صندوق جهانی بین‌المللی (IMF)، سالانه از ۵۰۰ بیلیون تا ۱,۵ تریلیون دالر از درک مواد مخدر پول‌شویی شده و وارد بانک‌های جهان می‌شود که ۲,۵٪ عاید خالص کل جهان را تشکیل می‌دهد. بدین ترتیب، قاچاقچیان بین‌المللی مواد مخدر پنجمین قدرت مالی جهان را می‌سازند. قاچاق‌بران افغانی سالانه ۱,۳ تا ۱,۵ میلیارد دالر سود برده‌اند. بر اساس ارقام منتشره بانک جهانی

## سخن‌ماندگار

### طالبان موضع خود را مشخص کردند

در حالی که دولت هنوز بر طبل گفت‌وگوهای چهارجانبه می‌کوبد، گروه طالبان عملیات بهاری خود را علیه دولت و نیروهای بین‌المللی اعلام کرده است. این گروه در اعلامیه تازه خود از عملیات «عمری» به عنوان آخرین ضربه بر «کفار» و «دست نشانده‌گان» آن سخن گفته و تمام نیروهای خود را به یک جنگ خونین فرا خوانده است. اعلامیه طالبان به تاریخ ۲۴ حمل صادر شده و نشان می‌دهد که این گروه پس از بررسی‌های لازم این تصمیم را گرفته است.

آغاز جنگ بهاری طالبان، چیز تازه‌ی نیست و پیش از آن، برخی فرماندهان ناتو و نهادهای امنیتی کشور از چنین برنامه‌ی از سوی طالبان خبر داده بودند. فرماندهان ناتو که بیشتر با وضعیت جنگی افغانستان آشنایی دارند، گفته بودند که طالبان با آغاز فصل گرما، به شدت عملیات نظامی خود می‌افزایند و تلاش خواهند کرد که مثل سال قبل، کوره جنگ را همچنان گرم نگه دارند.

در سال گذشته، طالبان برای نخستین‌بار موفق به تسخیر یک ولایت شدند که بدون شک داغ ننگ آن بر جبین دولت وحدت ملی باقی خواهد بود. سال گذشته نیز آقای غنی رئیس‌جمهوری کشور گفته بود که کندز تحت مدیریت قرار دارد و جای نگرانی نیست و سرپرست وزارت دفاع اطمینان داده بود که در صورت سقوط کندز از وظیفه کنار خواهد رفت؛ همان گونه که امسال نیز در برابر تهدید طالبان مبنی بر سقوط هلمند، عین سخنان را ابراز کرده است.

مقام‌های کشور بدون آن‌که محاسبه دقیق از وضعیت داشته باشند، حرف‌هایی می‌زنند که در تضاد با واقعیت‌های کشور قرار دارد. آن‌ها بر اساس گفته‌های دیگران، وضعیت کشور را بررسی می‌کنند و بدون شک چنین بررسی‌هایی نمی‌تواند ممد عملکرد دولت قرار گیرد. آقای غنی، سکتور امنیتی را چنان در انحصار خود گرفته که به هیچ صورت از آن انتظار کارایی در امر مدیریت جنگ در کشور برده نمی‌شود.

آمار و ارقام منتشر شده از فرار و ترک وظیفه در نهادهای امنیتی، واقعاً تکان‌دهنده‌اند. در همین حال، نوعی برنامه‌های پشت پرده نیز در رابطه با برخی مناطق که از لحاظ جنگی در تهدید مستقیم قرار دارند، در جریان است که می‌تواند وضعیت آسیب‌پذیر امنیتی را بیشتر به مخاطره مواجه سازد. در برخی ولایت‌های کشور که عملاً از سوی مخالفان مسلح مورد تهدید قرار دارند، نیروهای امنیتی به توقف عملیات جنگی مجبور شده‌اند و به صورت فاجعه‌باری نسبت به آینده احساس نگرانی می‌کنند. گزارش‌هایی وجود دارند که کندز در شمال کشور یک بار دیگر با تهدیدهای جدی امنیتی روبه‌روست و مخالفان مسلح، نیروهای خود را در بخش‌های آسیب‌پذیر آن جا‌به‌جا کرده‌اند.

عطا محمد نور والی بلخ که این تهدیدها را به خوبی ارزیابی و تحلیل کرده است، روز دوشنبه نسبت به وضعیت شمال هشدار داد و گفت که داعش به شمال کشور آورده می‌شود. این سخن والی بلخ که عمری تجربه در عرصه نظامی و تأمین امنیت شمال کشور دارد، به چه معناست؟ آیا این سخنان از برنامه‌های پشت پرده حکایت ندارند که به منظور برهم زدن امنیت شمال کشور صورت می‌گیرند؟ در عقب این برنامه‌ها کی‌ها هستند و چرا تلاش صورت می‌گیرد که شمال به کانون درگیری‌ها تبدیل شود؟

این‌ها در حالی صورت می‌گیرند که دولت افغانستان همچنان امیدوار به گفت‌وگوهای صلح با گروه‌های مخالف است؛ گروه‌هایی که اکثرشان منافع خود را در ادامه جنگ و کشتار تعریف کرده‌اند و هیچ برنامه سیاسی برای افغانستان ندارند. طالبان که عمده‌ترین نیروی جنگی در برابر دولت شمرده می‌شود، به دلیل اختلافات ذات‌البینی، همین حالا به سه دسته تقسیم شده و هر روز با یکدیگر در حال نبرد و قدرت‌آزمایی‌اند. هیچ یک از این گروه‌ها برنامه سیاسی مشخصی که نشانگر دولت‌داری باشد، ندارند. آن‌ها به هر بهانه می‌خواهند که آتش جنگ در افغانستان شعله‌ور باشد. شاید در عقب این بی‌برنامه‌گی ذلت‌بار، برنامه‌ها و هدف‌های بیگانه‌گان نهفته باشد که از این گروه‌ها به عنوان ابزارهای رسیدن به مقاصدشان سود می‌برند.

نشست‌های چهارجانبه اگر نتیجه‌بخش می‌بودند، بدون شک باید در چهار دور گذشته تغییراتی در مواضع مخالفان ایجاد می‌شد و آن‌ها با توجه به این مذاکرات، برنامه‌های خود را اعلام می‌کردند.

اعلام موضع تازه طالبان نشان می‌دهد که آن‌ها حتا در حال‌وهوای نشست‌های چهارجانبه و یا گفت‌وگوهای صلح سیر نمی‌کنند، چه رسد به روزی که بیایند و در مورد آینده سیاسی کشور وارد چانه‌زنی‌های سیاسی شوند.

به طالبان و دیگر گروه‌های مسلح، باید به چشم گروه‌های خشونت‌طلب و یاغی نگاه کرد که هرگز برای امنیت، آرامی و رفاه کشور هزینه نخواهند پرداخت. با این گروه‌ها باید به زبانی سخن گفت که بهتر می‌فهمند و به آن آشنایند؛ یعنی زبان تفنگ. خشونت‌طلبی را نمی‌شود با مدارا و شکیبایی پاسخ داد. اگر دولت واقعاً به ارزش‌های انسانی بها می‌دهد، باید از این منظر با مخالفان مسلح وارد گفت‌وگو شود.

# دشواری امید به صلح



عمر زاخیلوال، سفیر افغانستان در اسلام آباد در تازه ترین اظهارات خود گفته است که پاکستان چنانی که وعده سپرده بود تا طالبان را روی میز مذاکره حاضر می کند، عمل نکرد.

با این همه، گروه طالبان با نشر اعلامیه یی از راه اندازی حملات بهاری شان زیر نام «عملیات عمری» خبر داده اند.

در اعلامیه یی که در وبسایت گروه طالبان به نشر رسیده، آمده است: «عملیات عمری امروز بتاریخ ۵ ماه رجب سال ۱۴۳۷ هجری قمری مطابق با ۲۴ ماه حمل سال ۱۳۹۵ هجری شمسی که مصادف است با ۱۲ ماه اپریل سال ۲۰۱۶ میلادی از ساعت ۵ بامداد در تمام کشور آغاز گردید».

از سوی دیگر، صدیق صدیقی سخنگوی وزارت امور داخله کشور دیروز سه شنبه ۲۴ حمل در واکنش به عملیات بهاری گروه طالبان می گوید که اعلام جنگ این گروه علیه مردم افغانستان تازه گی ندارد.

آقای صدیقی در صفحه رسمی توئیتر خود نگاشته است: «امارت به اصطلاح اسلامی طالبان یک امارت خیالی است. اعلام جنگ این گروه علیه مردم افغانستان تازگی ندارد».

اما شماری از اعضای مجلس نماینده گانه این باور اند که جنگ از سوی کسانی حمایت می شود که منافع های مالی در بودن طالبان دارند و آی اس آی پاکستان نیز شامل آن است.

آنان همچنان می گویند که پاکستان برای این که شکست نخورده باشد، تلاش دارد تا مهره های سوخته را به میز مذاکره بکشاند که نمونه اش حزب اسلامی حکمتیار است.

در حین حال، رییس روابط بین الملل شورای عالی صلح چنددسته گی به خاطر رهبری تحریک طالبان میان این گروه را یکی از موانع گفت وگوهای صلح می گوید و می افزاید، درست است که نقشه راه صلحطوری که آماده بود و تاریخی آن تعیین شده بود صورت نگرفت، اما تأخیر را تعبیر به این که کاملاً به بن بست مواجه شده ایم نمی دانیم.

این در حالی است که حکومت افغانستان با حمایت کشورهای ایالات متحده امریکا، چین و پاکستان، طی ماه های گذشته، در تلاش راه اندازی مذاکرات مستقیم صلح با این گروه بود.

قرار بود، پنجمین دور مذاکرات چهارجانبه صلح به صورت مستقیم با گروه طالبان در ماه مارچ سال جاری، در اسلام آباد پاکستان برگزار شود؛ اما این گروه از انجام چنین مذاکرات سر باز زده اند.

زکریا زکریا عضو مجلس نماینده گان در گفت وگو با روزنامه ماندگار می گوید: پروسه صلح یک پروسه بسیار پیچیده است، در تمام دنیا اگر مشاهده کنیم، پروسه های صلح سال ها را در بر گرفته اند تا به نتیجه مطلوب ویا نسبی رسیده اند.

به باور آقای زکریا: به پروسه صلح امیدوار بودن دشوار است، به این دلیل که طالبان در کنار این که زیر کنترل آی اس آی اند، بادیدگاه سیاسی، مافیای پاکستان و منطقه نیز بسیار از نزدیک وصل اند، تا زمانی که ریشه های شان قطع نشود و فشار بر مافیا که تمویل کننده اصلی طالبان است آورده نشود، صلح دست نیافتنی است.

آقای زکریا بیان داشت: جنگ از سوی کسانی حمایت می شود که منافع های مالی در بودن طالبان دارند که آی اس آی پاکستان شامل آن است. مافیای مواد

مخدر هلمند و معادن افغانستان نیز از تمویلکننده های هستند، طالبان با یک پروژه اقتصادی جرمی به حرکت افتیده اند و از این طریق منافع بزرگی را برای جنرالان پاکستانی فراهم می کند.

به باور این نماینده مجلس: «ما دو گزینه خوب برای آوردن صلح داریم، یکی این که باید اقتصاد جرمی را تضعیف کنیم و این در صورتی ممکن است که امریکا در تهیاتی که در صورت حاضر نشدن طالبان روی میز مذاکره به مردم افغانستان سپرده است، صادق بماند، دوم، در جنگ با طالبان نیروهای افغانستان را تقویت کنند تا منابع مالی طالبان از میان برداشته شود و برای آن ها راهی دیگری جز مذاکره باقی نماند».

آقای زکریا به این باور است که جنرالان پاکستانی در تبانی با کسانی در داخل افغانستان یک جا منافع خود را در بودن و تمویل کردن طالبان می دانند، او اضافه کرد: «پاکستان برای این که شکست نخورده باشد، تلاش دارد تا مهره های سوخته را به میز مذاکره بکشاند که نمونه اش حزب اسلامی حکمتیار است، اما آمدن این حزب را هم به فال نیک می گیریم که حداقل از یک جهت نگرانی ما کم شد».

آقای زکریا اظهار داشت: تا زمانی که عواملی یاد شده و عوامل دیگر که وجود دارد را غرب و متحدین افغانستان در نظر نگیرند، امکانات تسلیحاتی و مالی دشمن را تضعیف نکنند، فشار بالای آی اس آی وارد نشود، صلح در افغانستان آمدنی نیست.

تقویت نیروهای امنیتی از نگاه تسلیحات پیشرفته، حکومت داری خوب، از میان رفتن عوامل تشدید کننده جنگ، مبارزه با فساد گسترده در ادارت دولتی و از بین بردن مواد مخدر، از مواردی است که به باور این عضو مجلس سبب خواهد شد تا بالای طالبان فشار بیاید و آن ها وادار به آمدن روی میز مذاکره شوند.

در سویی دیگر، اسماعیل قاسمیار، مشاور روابط بین الملل شورای عالی صلح می گوید: ما شاهد صلح طالبان را نداشته باشد».

آقای بابا افزود: این تبلیغات باور مردم را بالای دولت کم کرده است و اگر دولت توجه نکند با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

جمعه الدین گیانوال دیگر عضو مجلس سنا نیز گفت: «در قریه ها، تبلیغات طالبان بر علیه نظام آغاز شده است و می گویند که افغانستان اشغال شده می باشد».

آقای گیانوال افزود: طالبان به مردم می گویند که شما در انتخابات شرکت کردید، اما نتیجه اش را امریکا مشخص کرد نه آرای ریخته شده در صندوق ها و امریکا می خواهد افغانستان را در اشغال خود داشته باشد.

به گفته سناتوران، اظهارات اخیر اوباما در کابل طالبان را نداشته باشد».

آقای گیانوال افزود: طالبان به مردم می گویند که شما در انتخابات شرکت کردید، اما نتیجه اش را امریکا مشخص کرد نه آرای ریخته شده در صندوق ها و امریکا می خواهد افغانستان را در اشغال خود داشته باشد.

به گفته سناتوران، اظهارات اخیر اوباما در کابل

وطن خود را از بین ببرد راه تان مذاکره است. این در حالی است که در تازه ترین اظهارات این گروه یکی از فرماندهان بلند پایه آنان پیشنهاد کرده است که آنان با امریکا به گفت وگو می پردازند.

این فرمانده طالبان طرح اش را در ۱۲ ماده به ملا اختر محمد منصور رهبر طالبان فرستاده است.

این فرمانده برجسته گروه طالبان از رهبری این گروه خواسته تا طرح شان را برای گفت وگوهای رو در رو با حکومت افغانستان، امریکا و دیگر کشورهای غربی آماده سازند.

گفته می شود که عملی شدن نظام اسلامی در افغانستان و هماهنگی ها میان گروه های طالبان، از پیشنهاد های او به ملا اختر محمد منصور است.

حسن حقیار، معین معادن رژیم طالبان به طوع نیوز گفته است: «به باور من ملا عبدالقیوم ذاکر که به تازه گی با رهبری طالبان بیعت کرده است، از امریکا خواسته است که شما کوشش نکنید میان طالبان بی اتفاقی ایجاد کنید؛ زیرا چند پاره گی طالبان برای رسیدن صلح خطرناک است و اگر میان طالبان هماهنگی باشد، گفت وگوهای صلح آسان است. از امریکا خواسته است که طالبان را یک صف بسازد که با کشورهای غربی حاضر شوند تا گفت وگو کنند و گفتند که ما حاضر به گفت وگو هستیم».

همین گونه چهره های نزدیک به طالبان از حکومت می خواهند که برای گفت وگوهای صلح برنامه دقیقی داشته باشند. این افراد می گویند که حکومت و کشورهای متحد افغانستان برنامه یی برای صلح ندارند.

سید اکبر آغا رهبر گروه راه نجات افغانستان و یکی از فرماندهان پیشین طالبان در کندهار می گوید: «من مطمئن نیستم که امریکا - که خود مانع گفت وگوهای صلح و علت اساسی جنگ های افغانستان است - بتواند صلح بیاورد و یا وزیر امور خارجه این کشور در سفر به کابل کدام طرحی برای صلح افغانستان داشته باشد. صلح از خود مقدمات دارد که ما فعلاً برنامه یی برای صلح نمی بینیم. صحبت آسان است که خود امریکا از افغانستان بیرون شود و آن وقت گفت وگوهای صلح نتیجه می دهد».

این نامه پیشنهادی عبدالقیوم ذاکر در حالی به رهبری این گروه فرستاده شده است که چندی پیش او در بیانیه یی با تأکید بر تأسیس امارت اسلامی از اعضای گروه طالبان خواست که متحد شوند.

او گفته است که نسبت به ملا اختر محمد منصور، در چارچوب شریعت وفادار است و با او اعلام بیعت می کند. هر چند او پس از افشای خبر مرگ ملا محمد عمر، رهبر پیشین این گروه، مدتی با رهبری تازه این گروه سر سازش نداشت.

اما سخنگوی گروه طالبان به رهبری ملا اختر محمد منصور می گوید که این نامه تا کنون برای شان نرسیده است.

پس از بی نتیجه ماندن گفت وگوهای صلح حکومت با طالبان، مقام های پاکستانی وعده سپرده بودند که تا ختم ماه مارچ بر از سرگیری این گفت وگوها تلاش کنند؛ اما دیده می شود که با نزدیک شدن به فصل جنگ، دور پنجم این گفت وگوها مشخص نشده اند.

وزیر امور خارجه افغانستان روز یکشنبه (۱۵ حمل) در دیدار با همتای امریکایی اش در کابل گفته بود: «تلاش های صلح را دوام می دهیم و اگر طالبان به میز گفت وگو حاضر نشوند، این تلاش ها بی نتیجه می ماند».

## هشدار سناتوران از تبلیغات ضد دولتی طالبان در روستاها



در پیوند به ادامه کار حکومت وحدت ملی نیز زبان تبلیغات طالبان را گویا تر ساخته است. از سویی هم، برخی سناتوران با اشاره به تشدید جنگ و ناامنی ها در کشور و بی نتیجه ماندن روند صلح در کشور از دولت می خواهند که طالبان را با جدیت کامل سرکوب کنند؛ زیرا این گروه به صلح حاضر نمی شوند و بر کشتار مردم ادامه می دهند.

اعضای مجلس سنا تأکید دارند که حکومت باید به وعده هایی که در جهت اصلاح نظام انتخاباتی

طالبان را نداشته باشد».

آقای گیانوال افزود: این تبلیغات باور مردم را بالای دولت کم کرده است و اگر دولت توجه نکند با مشکل جدی مواجه خواهد شد.

جمعه الدین گیانوال دیگر عضو مجلس سنا نیز گفت: «در قریه ها، تبلیغات طالبان بر علیه نظام آغاز شده است و می گویند که افغانستان اشغال شده می باشد».

آقای گیانوال افزود: طالبان به مردم می گویند که شما در انتخابات شرکت کردید، اما نتیجه اش را امریکا مشخص کرد نه آرای ریخته شده در صندوق ها و امریکا می خواهد افغانستان را در اشغال خود داشته باشد.

شماری سناتوران در مجلس سنا می گویند که طالبان در روستاها و ولسوالی های دور دست کشور تبلیغات گسترده ضد دولتی را به راه انداخته و مردم را بر علیه دولت تحریک می کنند.

سناتوران هشدار می دهند که اگر دولت افغانستان جلو تبلیغات سوء طالبان را در روستاها و ولسوالی های دور دست نگیرد، مردم باور خود را نسبت به دولت بیشتر از پیش از دست خواهند داد و زمینه همکاری آنان با طالبان فراهم می شود. لطف الله بابا یکی از اعضای مجلس سنا گفت: «طالبان تبلیغات گسترده ضد دولتی در قریه ها و مناطق دور دست به راه انداخته اند و مردم را به خود جلب کرده اند؛ در بسیاری از مناطق دور دست خانه ای نیست که نفر شان عضویت گروه

و مبارزه با فساد به مردم داده اند عمل کنند و نگذارند که فاصله ملت و دولت بیشتر شود.

بخش نخست

# دردهای مزمن پزشک و روان شناس در کنار هم

Evelyn Cole

مترجم: آذین صحابی

حتماً افرادی را دیده‌اید که همیشه از یک یا چند درد جسمی شاکی‌اند. عده‌ی مدام از کمردرد و پادرد نالان‌اند. برخی از سردردهایی می‌گویند که به هیچ مسکن و آرام‌بخشی پاسخ نمی‌دهد و زنده‌گی را بر آنان تلخ کرده است، بعضی هم از گردن‌درد و سوزش معده و حتی از درد قفسه‌ی سینه رنج می‌برند. همه این‌ها به پزشک مراجعه می‌کنند و باید گفت که قطعاً بیش از یک پزشک آن‌ها را ویزیت کرده و سرانجام پس از امتحان داروهای گوناگون و نتیجه نگرفتن، از اتاق مشاوره‌ی یک روان‌پزشک سردر می‌آورند. علت این است که این دردها سرچشمه‌ی در بدن و اعضای دردناکش ندارند. آنچه زخم خورده و رنجور است، روان و روح این بیماران است. در این میان اما مسأله‌ی هست که بسیار رخ می‌دهد و این دسته بیماران مزمن هم از آن رنج می‌برند. در ابتدای کار، نزدیکان فرد او را نزد پزشکان گوناگون می‌برند و همه‌گی آن‌ها با دیدن این‌که نمی‌توانند علامتی ظاهری بیابند که ناراحتی بیمارشان را توجیه کند، دستور انجام آزمایش‌های گوناگون می‌دهند. تمامی تصاویر رادیوگرافی، سی‌تی‌اسکن و حتی MRI بررسی‌های آزمایشگاهی همه و همه سالم هستند و هیچ مشکل ارگانیک وجود ندارد. با این حال، بیمار بازم درد می‌کشد! افراد خانواده کم‌کم شک می‌کنند که شاید این عضو بیمار خانواده دارد تظاهر به بیماری و درد کشیدن می‌کند.

جالب این است که دردهای «روان‌تنی» یا «سایکوسوماتیک» پس از بروز یک حادثه یا حوادث تنش‌زا یا پیش از وقوع آن‌ها روی می‌دهند. دانش‌آموزانی که می‌خواهند کنکور دهند، افرادی که می‌خواهند برای زنده‌گی به کشوری خارجی بروند و یا کسی که از یک حادثه ناگوار جان سالم به در برده و افرادی از این دست، همه‌گی مستعد ابتلای به دردهای مزمنی هستند که چاره‌ درمان آن‌ها، در دستان یک روان‌پزشک یا روان‌شناس است.

موارد بالا شرح و برشمردن یک نوع از دردهای مزمن بود. موردی که اکنون به آن می‌پردازیم هم بی‌ارتباط با گفته‌های بالا نیست. عصب‌شناسان دریافته‌اند که مسیر اصلی انتقال پیام درد از گیرنده‌های درد نزدیک آن محرک دردناک آغاز می‌شود و به تالاموس ختم می‌گردد. در این‌جا این پیام اولیه به دو سو می‌رود. اولی به قشر مغز می‌رسد که به شخص می‌گوید درد کجاست و به شکل است (فشار، سوزش، تیر کشیدن و...). قسمت دوم به منطقه جلوی مغز که لوب فرونتال یا لوب پیشانی نام دارد، می‌رسد. تحریک این قسمت احساس عاطفی درد را در انسان ایجاد می‌کند: «سرم دارد می‌کشد، دارم می‌میرم، گردنم گرفته است.»

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که حتی افرادی که لوب پیشانی‌شان جراحی و برداشته شده، بازم درد را حس می‌کنند. این را دیگر نمی‌توان با علم پزشکی صرف توضیح داد، بلکه روان‌شناسی بهتر می‌تواند آن را تجزیه و تحلیل کند.



بخش دوم و پایانی



# سامان‌مندی قدرت در اندیشه افلاطون

فاطمه ذوالفقاریان

اما افلاطون برای این اقتدار سیاسی هم، قلمروهایی تعیین کرده است. او می‌گوید: «برای اعمال قهر و خشونت در مورد مردمان آزاد، از این حیث که برابر و آزادند و مناسبات سیاسی و شهروندی میان خود ایجاد می‌کنند، نمی‌توان توجیهی پیدا کرد. او بین مناسبات شهروندانه و رابطه خدایگان و بنده، تمایز قایل بود و می‌گفت: مناسبات شهروندانه، چون شهروندان برابر و آزاد اند با رابطه بین خدایگان و بنده - که در آن بنده به علت نداشتن آگاهی و فضیلت، زیر تصرف خدای خود قرار دارند - فرق دارد. این اصل اساسی فلسفه سیاسی افلاطون است.» (افلاطون: ص ۱۸۶۵) او همچنین در رساله جمهور، تحمل خشونت را بر ارتکاب آن ترجیح داده است.

یعنی معتقد است که ارتکاب خشونت، عمل قبیحانه‌ی است و اگر بخواهیم بین آن دو به انتخاب دست بزنیم، بهتر است که خشونت را تحمل کرده، نه آن‌که مرتکب عمل خشونت‌آمیز شویم. او هم‌چنین می‌گوید: نه تنها افراد نباید مرتکب بی‌عدالتی شوند، بلکه باید تلاش کنند که در شرایطی قرار نگیرند که مجبور باشند بی‌عدالتی را تحمل کنند. آن‌ها باید شرایط بی‌عدالتی را ترک کنند و یا اصلاً در آن شرایط قرار نگیرند و این اصل است بر این‌که مرتکب بی‌عدالتی شوند. در مورد نظر افلاطون در مورد تمرکز قدرت، به نظر می‌رسد که افلاطون، نقاد دموکراسی است. او موافق این مطلب است که قدرت در دست فیلسوف شاه باشد. در کل افلاطون معتقد است که هر اندازه تمرکز اقتدار بیشتر باشد، بسته به این‌که آیا دولت قانونمند است یا غیر قانونمند، توانایی بیشتری برای خیر و شر خواهد داشت.

یعنی اینکه اگر دولت قانونمند باشد، تمرکز قدرت آن بیشتر است و توانایی بیشتری برای خیر و شر خواهد داشت. یعنی دولتی که فیلسوف شاه در راس آن باشد اما اگر دولتی غیرقانونمند باشد، یعنی فیلسوف شاه در راس آن نباشد، تمرکز قدرت آن باید کمتر باشد. افلاطون هم‌چنین از دسته‌بندی‌های سیاسی انتقاد می‌کند و می‌گوید: «اگر کسانی که در

و در بهترین دولت قابل عمل، قانون حکم می‌راند. درباره‌ی قانون‌گذار هم، با توجه به اکثریت افراد و اکثریت موارد، قوانینی می‌نهد که برای کل جامعه است و در مورد یکایک افراد به طور کلی صدق می‌کند، چرا که چه‌گونه ممکن است که مردی همه عمر، به دنبال یکایک افراد برود و معین که هر فرد در هر مورد چه‌گونه باید رفتار کند، ولی اگر مردی که دارای هنر سیاست است و بدین کار توانا باشد (فیلسوف شاه)، گمان نمی‌کنم آماده شود که با نوشتن قوانین دست‌وپای خود را ببندد.

اما افلاطون این آزادی را به قانون‌گذار می‌دهد که اگر قانونی بنویسد و پس از چندی او خود که قانون را بر طبق اصول علمی تنظیم کرده است یا کس دیگری که مانند اوست از آن قانون بازگردد، می‌تواند دستور دیگری دهد و سلب آزادی او مضحک خواهد بود. با توجه به این توضیحات، شاید رابطه قدرت سیاسی و آزادی فردی روشن شده باشد. افلاطون آزادی را در چارچوب قانون می‌پذیرد. بنابراین هواداران آزادی باید به حکومتی تن در دهند که آزادی زیر لوای سلطنت قانونی را تضمین کند و گروه دیگر باید به جای استبداد، سلطنت قانونی را بگزینند که در مقابل قانون، مسول باشند و قانون را تنها برای زیردستان نخواهد» (افلاطون، ۱۳۸۰: ص ۱۸۸۸) اما افلاطون در این شور و شوق خود بسیار افراط کرد. او در کوشش آشکار برای نجات و بهبود اخلاق فردی، فردگرایی را به کل از بین برد. شهروند آزادی خود را از دست داد. افلاطون می‌دانست که اجتماع برای فرد اهمیت دارد. فرضیه او درست بود که انسان هرچه دارد، به طور عمده مدیون اجتماع مردم است و اجتماع، حق انکارناپذیری بر انسان‌ها دارد. اما افراط‌گری او هم توجیه‌ناپذیر است؛ ارزشمندی فرد فقط در رابطه با دولت و در تأکید روی برتری جامعه بر او نیست.

پاورقی:

افلاطون (۱۳۸۰)، دوره کامل آثار افلاطون، جلد چهارم، ترجمه محمدحسین لطفی.

اندیشه کسب قدرت اند، همواره در فکر توطیه و دسته‌بندی‌های سیاسی باشند و از این راه کیسه خود را پر کنند و بخواهند بر همه چیز و همه‌کس فرمان برانند، جز به خود یا صاحب قدرت، توان‌گران را دشمن وطن بشمارند و به کشتن دهند، هیچ‌گاه کشور نیرومند نخواهد شد و به نیک‌بختی نخواهد رسید. (افلاطون، ۱۳۸۰: ص ۱۸۷۵) افلاطون در باب قانون و قدرت هم مطالب زیادی گفته است. او در رابطه قدرت و قانون، دو مرحله را از هم جدا می‌کند. او در کتاب سیاست‌مدار می‌نویسد که کمال مطلوب آن است که سیاست‌مدار خود فرمان‌روا باشد و در این حال، باید قدرت کافی داشته باشد و همه اختیارات رهبری روحانی و سیاسی و سپاهی جامعه را در دست گیرد. مهم‌ترین صفت او حکمت و معرفت است و همین معرفت سیاست‌مدار، استوارترین ضامن ایمنی فرمان‌بردارانش از گمراهی و زیان و ستم است.

وقتی سیاست‌مدار فیلسوف باشد، جامعه زیر فرمان او به قوانین مدون نیاز ندارند؛ زیرا نیاز به قوانین مدون هنگامی پیش می‌آید که جامعه فرمان‌روای دانا و دل‌سوز نداشته باشد. پس در صورت وجود فیلسوف شاه، وجود او عین قانون است و فرمان او هرچه باشد، لازم‌الاجراست. او خود می‌نویسد: «تردیدی نیست که هنر قانون‌گذاری، جزو هنر سیاست است. با این‌همه بهتر آن است که قدرت در دست قانون نباشد، بلکه به دست فرمانروایی باشد که از روی دانش حکومت می‌کند. زیرا قانون نمی‌تواند حکمی وضع کند که برای همه از همه جهت درست و مطابق عدالت باشد، چرا که نه افراد مردم از هر حیث مانند یکدیگر اند و نه کارها و اعمال ایشان» (افلاطون، ۱۳۸۰: ص ۱۵۱۶) افلاطون در قوانین پیشنهاد داد که قانون جای فیلسوف شاه را بگیرد. در واقع به عقیده افلاطون، هنوز هم فرمانروایی خردمندان و فرزانه‌گان ترجیح دارد و دولت آرمانی، بهترین دولت است؛ البته در صورتی که قابل عمل باشد، اما نیست. بنابراین چون دومین بهترین دولت قابلیت عمل دارد، باید تا آن‌جا که ممکن است، به اصول مسلم دولت آرمانی نزدیک‌تر شود. در دولت آرمانی، عقل حکم می‌راند

# طبیعت و ماورای طبیعت در آثار و افکار خیام

دکتر سیدجعفر حمیدی ریاضی بخش دوم و پایانی

تشخیص رباعی‌ها:

برای تشخیص رباعی‌های خیام از رباعیات منسوب به خیام، محققان پیشنهادهایی نموده‌اند که حاصل و نتیجه این پیشنهادها را بدین‌گونه می‌توان بازگو نمود: نخست این‌که، هر چهار رکن یا چهار مصرع رباعی، فکری واحد و نگرشی یکسان داشته باشند. دوم این‌که، معنی بر لفظ غلبه داشته باشد و محتوا و معنای شعر قوی‌تر از صنایع لفظی و ظاهری باشد. سوم این‌که، مفاهیم و تصویرهای شعری خیام، معمولاً مشخص است و در واقع این مفاهیم به منزله کلمات کلیدی اشعار خیام است، همان‌گونه که اشعار حافظ را با شناخت کلمات کلیدی می‌توان از شعر سایر شاعران تشخیص داد. مفاهیمی مانند شک و تردید، پرسش، پرخاش و اعتراض، عصبان و استهزا در اشعار خیام وجود دارد.

چهارم؛ غنیمت شمردن دم، وحشت و اندوه از مرگ، تشویش و هول و هراس از مردن.

پنجم؛ دعوت به عیش و خوشی و استفاده از نقد حاضر، توجه به قدرت سرنوشت و تقدیر از روز ازل و بی‌گناه بودن انسان و توجه به تدبیر.

هر رباعی که واجد چهار شرط از این شرایط پنجگانه باشد، می‌توانیم آن را از خیام بدانیم. (۸)

به نکات بالا، چند نکته دیگر باید افزود. اولاً، خیام به جهان مادی و طبیعی که می‌پردازد، به تدریج از این جهان به جهان متافیزیکی یا مابعدالطبیعه راه می‌یابد. ثانیاً، با کنجکاوی و زیرکی تمام، جهان مابعدالطبیعه را با شک و تردید می‌نگرد. ضمن این‌که، در بیشتر رباعیات و آثار به‌جای‌مانده از معاصران و محققان بعد از وی، درمی‌یابیم که او مسلمانی معتقد به اصول

دیانت بوده است، زیرا لقب «امام» و «حجة‌الحق» داشته و بسیار بعید به نظر می‌رسد که در حق یک مرد دور از مذهب، چنان تعبیراتی به کار برود. (۹)

در اخبار قطعی، از عمر خیام به عنوان «امام خراسان» یاد شده است و مطلب تازه‌یی که درباره احوال او آمده، آن است که وی به تعلیم علوم یونان اشتغال داشت و معلمین را از راه تطهیر حرکات بدنی و تنزیه نفس انسانی بر طلب واحد تحریض می‌کرد. چون اهل زمان بر دین او طعن می‌زدند، بر جان خود بیمناک شد و عنان زبان و قلم را از گفتار بکشید. (۱۰)

## اوضاع عصر خیام

ما از زبان قطعی می‌توانیم این نکته را دریابیم که اوضاع اجتماعی عصر خیام و جهالت و ناآگاهی مردم زمان وی و سرزنش‌ها و طعن‌ها و آزارهایی که در آن‌زمان از سوی عامه به خیام رسیده، باعث ظهور رخدادی به نام رباعیات خیام شده است؛ یعنی، این رباعیات در حقیقت پاسخ‌گونه‌یی هستند به تعصبات خشک و بی‌مورد معاصرین خیام.

در تایید این نظریه، زکریای قزوینی در کتاب «آثارالبلاد و اخبارالعباد» روایتی دارد که: «یکی از فقها هر روز صبح قبل از برآمدن آفتاب، نزد خیام می‌رفت و درس حکمت می‌خواند و چون به میان مردم می‌آمد، از او به بدی یاد می‌کرد. عمر خیام یک‌بار چندتن را با طبل و بوق در خانه خود پنهان کرد و چون فقیه به عادت خود به خانه وی آمد، فرمان داد تا طبل‌ها و بوق‌ها را به صدا درآورند. مردم از هر سوی در خانه او گرد آمدند، عمر گفت: ای مردم نیشابور! این فقیه شما است که هر روز از صبحگاه نزد من می‌آید و درس حکمت می‌آموزد و آن‌گاه پیش شما از من به نحوی بد می‌گوید. اگر من همان باشم که او می‌گوید، پس

چرا از من علم می‌آموزد و اگر چنین نیست، پس چرا از استاد خود به بدی یاد می‌کنند؟»

به شهادت تاریخ، هیچ‌گاه اهل علم و صاحبان فضیلت و حتا پیروان طریقت، از تعدی و تعصب کج‌باوران و متعصبان عصر خود مصون نبوده‌اند و این گروه پیوسته مورد بی‌مهری و بی‌عنایتی کسانی قرار گرفته‌اند که قادر به تشخیص سخن و کلام و افکار آنان نبوده‌اند و از این‌گونه کج‌اندیشی‌ها درباره اهل فضل و اهل علم در اوراق تاریخ به فراوانی ضبط شده است و مسلماً خیام نیز یکی از کسانی بوده که از کج‌خلقی‌ها و تعصبات مردم زمان خود در امان نبوده‌اند. در این مقوله، اشعار فراوانی از او باقی مانده که دلالت بر همان دل‌تنگی‌ها و آزرده‌گی

## قرن خیام

چنان‌که پیش از این گفته شد، قرن پنجم هجری، قرن توسعه علوم عقلی و نقلی بوده و در این قرن ریاضیات، نجوم، طب، ادبیات و مطالعات دینی به اوج خود رسید. با این حال، این قرن از تشویش‌ها، اضطرابات، خرافه‌گویی و خرافه‌پرستی و تعصبات خشک، مصون و محفوظ نبوده است. درست است که در این قرن یکی از بزرگترین مراکز علمی، یعنی مدرسه نظامیه، در نیشابور و چند شهر دیگر فعال بود، اما از تحصیل در مدرسه نظامیه تنها قشری خاص، یعنی فقط پیروان مذهب شافعی، بنا به خواست خواجه نظام‌الملک، می‌توانستند بهره‌مند گردند. بنابراین، تشنگی آرا و عقاید و پراکنده‌گی افکار و توسعه اوهام و خرافات در نیشابور اندک نبود. از طرفی، نیشابور نیز مثل سایر شهرهای خراسان، در طول قرن‌های سوم

تا هفتم، بارها مورد تهاجم، ویرانی و آتش‌سوزی بوده و در دست سلسله‌های مختلف حکومتی، دست به دست می‌شده است. تظاهرات عامیانه و قشری‌گری عوام در بروز روحیه پرخاشگری و انتقادی خیام بی‌تأثیر نبوده است و پیداست که انتقام‌های خود را فقط از طریق رباعی‌هایش می‌گرفت؛ و اگر در رباعی‌های دیگر وی، رگه‌هایی از انتقاد از آفرینش و ماوراءالطبیعه می‌بینیم، به نظر نگارنده این سطور، نه به دلیل بی‌اعتقادی وی نسبت به عالم هستی است، بلکه نوعی تعنت و مقابله به مثل و پاسخ به لجبازی‌های عوامانه و قشری‌مآب‌های ماجراجو بوده است. رباعی‌های مایوسانه وی به دلیل عدم اعتقاد او به کاینات نیست، بلکه به گونه‌یی، پوچی و بی‌محتوا بودن ناسازگاری‌های حیات را از نظر خود بازگو کرده است.

مسلم است که این مقاله در رد نظریات محققان و منتقدان آثار خیام یا خیامی نیست؛ اما نگارنده آن معتقد است که در طول قرن‌های بعد از خیام، این ریاضی‌دان شاعر بارها و بارها مورد بی‌عنایتی منتقدان متعصب قرار گرفته، به طوری که هنوز شخصیت این مرد در هاله‌یی از ابهام و ناشناسی باقی مانده است.

## یادداشت‌ها:

۱. محیط طباطبایی، محمد، «خیام یا خیامی»، تهران: ققنوس، ۱۳۷۰، ص ۱۵
۲. همان، همان صفحه
۳. برای اطلاع رک. «تمه صوان‌الحکمه»، ابوالحسن زید بیهقی و «چهار مقاله»، نظامی عروضی.
۴. صفا، دکتر ذبیح‌الله، «تاریخ ادبیات در ایران»، ج ۲، ص ۵۲۷
۵. همان ج ۲، صص ۳۱۱-۳۱۰
۶. شفیع کدکنی، محمدرضا، «مختارنامه عطار»، تهران: توس، ۱۳۵۸.
۷. رک دیوان حافظ، تصحیح غنی و قزوینی، و ۴۲ رباعی، هاشم‌رضی، جلالی نایینی ۴۹ رباعی.
۸. فولادوند محمدمهدی، «خیام‌شناسی»، تهران: بی‌نا، ۱۳۴۷، ص ۱۲
۹. جعفری، محمدتقی، «تحلیل شخصیت خیام» تهران: مؤسسه کیهان، ۱۳۶۵، ص ۳۲
۱۰. نقل از «تاریخ ادبیات در ایران»، ج ۲، ص ۲۵۶
۱۱. قزوینی، زکریا بن محمود، «آثارالبلاد و اخبارالعباد»، ترجمه عبدالرحمن شرفکنندی، تهران: اندیشه جوان، ۱۳۶۶، ص ۲۲۸
۱۲. جعفری، محمدتقی، «تحلیل شخصیت خیام»، ص ۳.

## نیشابور نیز

مثل سایر شهرهای خراسان،

در طول قرن‌های سوم تا هفتم، بارها مورد تهاجم، ویرانی و آتش‌سوزی بوده و در دست سلسله‌های مختلف حکومتی، دست به دست می‌شده است. تظاهرات عامیانه و قشری‌گری عوام در بروز روحیه پرخاشگری و انتقادی خیام بی‌تأثیر نبوده است و پیداست که انتقام‌های خود را فقط از طریق رباعی‌هایش می‌گرفت؛ و اگر در رباعی‌های دیگر وی، رگه‌هایی از انتقاد از آفرینش و ماوراءالطبیعه می‌بینیم، به نظر نگارنده این سطور، نه به دلیل بی‌اعتقادی وی نسبت به عالم هستی است، بلکه نوعی تعنت و مقابله به مثل و پاسخ به لجبازی‌های عوامانه و قشری‌مآب‌های ماجراجو بوده است. رباعی‌های مایوسانه وی به دلیل عدم اعتقاد او به کاینات نیست، بلکه به گونه‌یی، پوچی و بی‌محتوا بودن ناسازگاری‌های حیات را از نظر خود بازگو کرده است

او دارد. (۱۱)

## فیزیک و متافیزیک

رباعیات خیام را از لحاظ صوری و ظاهری نیز به چند گروه تقسیم کرده‌اند:

- ۱- اشعاری در بی‌وفایی دنیا و سرعت گذشت سالیان عمر.
  - ۲- اشعاری در بیان محدودیت علوم و معرفت انسانی در مقابل نامحدود بودن واقعیات عالم هستی.
  - ۳- اشعاری که لذت‌پرستی و خوشی روز را توصیه می‌کند و حیات موجود را غنیمت می‌شمارد.
  - ۴- اشعاری که پوچ و بی‌اساس بودن هستی و حیات را ترویج می‌کند و نسبت به ماورای حیات با نظر شک و تردید می‌نگرد. (۱۲)
- اشعار سه دسته اول - که درباره بی‌وفایی دنیا، گذراندن سریع عمر، محدودیت علم انسان در مقابل نامحدود بودن واقعیات عالم هستی و بالاخره لذت‌پرستی و خوشی آنی است - مشکلی را ایجاد نمی‌کنند، اما اشعار دسته چهارم سوال‌برانگیز است.
- مساله این است که آیا خیام یک شاعر سست‌خیال و نامعتقد به کاینات و دنیای پس از مرگ و معاد بوده است، یا مطابق گفته قطعی و سایر معاصران وی،

## آگاهان اقتصادی در پیوند به فروش کابل بانک نو به یک شرکت پاکستانی:

# هدف پاکستانی‌ها از خرید کابل بانک نو، استفاده استخباراتی است

نایب نوری

پشت پرده خرید کابل بانک نو توسط یک بانک پاکستانی اهداف خاصی استخباراتی نهفته است. شماری از آگاهان سیاسی اقتصادی خرید کابل بانک نو توسط پاکستانی‌ها را غرض الوده دانسته می‌گویند: فروش این بانک به پاکستانی‌ها خیانت ملی است. این واکنش‌ها پس از آن ابراز می‌شود که هفته گذشته وزارت مالیه دو شرکت داوطلب واجد شرایط برای خرید نوی کابل بانک را معرفی کرد. یکی از این دو شرکت افغانستانی و دیگری پاکستانی است. وزارت مالیه گفت که کمپنی «JSC» و بانک تجارتی مسلم (Muslim Commercial Bank) توانسته‌اند تا طبق شرایط دولت افغانستان اسنادهای شان را ارائه کنند.

به گفته مقامات وزارت مالیه: ۲۰ میلیون دالر ضمانت بانکی، جواز شرکت، امکانات مالی و تخنیک از جمله شرایط عمده دولت افغانستان در این داوطلبی می‌باشد. شرکت JSC یک شرکت افغانی است که توانسته در عوض ۲۰ میلیون دالر ۱۶۸.۴ میلیون دالر ضمانت بانکی ارائه کند و وعده سپرده است که تا یک میلیارد دالر را در صورت خرید نوی کابل بانک، در این بانک سرمایه‌گذاری کند.

بانک تجارتی مسلم یک بانک پاکستانی است که

ضمانت بانکی و جواز شرکت را ارائه کرده و توانسته شرایط داوطلبی را تکمیل کند.

رییس عمومی خزاین وزارت مالیه گفت که شرکت‌های دیگر نیز در این داوطلبی شرکت کرده بودند اما واجد شرایط شناخته نشدند. هم‌چنان شرکت‌هایی که با کابل بانک سابق ارتباط داشتند نیز نمی‌توانستند در این داوطلبی شرکت کنند.

و اما مجلس سنا در جلسه روز یکشنبه هفته روان این مجلس واکنش نشان داده و با احتمال فروش کابل بانک نو به یک بانک پاکستانی مخالفت خود را اعلام کرد. سناتوران گفته‌اند که احتمال این وجود دارد که بانک پاکستانی با خرید کابل بانک نو، از معلومات موجود در این بانک به مقاصد استخباراتی استفاده کند.

در همین حال شماری از اقتصاددانان و آگاهان سیاسی نیز از این اقدام حکمت افغانستان سخت انتقاد کرده و تاکید کرده‌اند که نباید منافع ملی قربانی منافع اقتصادی شود.

سیف‌الدین سیحون استاد دانشکده اقتصاد دانشگاه کابل، فروش کابل بانک نو را به یک بانک پاکستانی خیانت ملی می‌داند.

سیحون، خرید کابل بانک نو توسط بانک پاکستانی را غرض‌آلود دانسته گفت: بدون شک پشت سر خرید کابل بانک نو با توجه به اینکه نیروهای امنیتی و اکثریت

کارمندان دولت معاش شان را از یک بانک به دست می‌آورند و اطلاعات کامل در مورد آنان در این بانک وجود دارد، اهداف خاصی نهفته است.

او می‌گوید: اگر بانک پاکستانی که خواهان خرید این بانک است با حلقه‌های تروریستی ارتباط داشته باشد، به راحتی می‌تواند در مورد افراد مورد نظرشان اطلاعات به دست بیاورند.

به گفته استاد سیحون: پاکستان کشوری است که جنایات سازمان یافته‌ی راعلیه افغانستان انجام داده و در امور افغانستان همواره مداخلاتی داشته و دارد، بنابراین حکومت افغانستان باید اسم پاکستان را از لیست داوطلبان حذف کند.

این استاد دانشگاه تاکید کرد: اما حلقه‌های در درون حکومت افغانستان حضور دارند که عوامل و وابسته‌گان پاکستان هستند و سعی می‌کنند که برای خوشنودی پاکستانی‌ها دست به چنین اقداماتی بزنند.

او گفت: هزاران نفر از مدارس پاکستان فارغ و به افغانستان آمدند و یک شبکه وسیع از مزدوران و اجیران پاکستانی در حکومت افغانستان حضور دارند و فروش کابل بانک نو به پاکستانی‌ها هم می‌تواند به همین مساله ارتباط داشته باشد.

استاد سیحون، از پارلمان افغانستان می‌خواهد تا در برابر این اقدام واکنش نشان داده و اجازه ندهند تا این بانک

### احمدولی مسعود:

# .. حتا وحدت ملی را برهم زدند

کمیسیون‌های انتخاباتی نیز باید بروند؛ نه تنها بروند که باید از مورد سوال قرار بگیرند که چرا افغانستان را به بحران بردند، باید توضیح بدهند، اگر امروز سوال نشود، فردا جواب‌گو نخواهند بود.

استغفای رییس کمیسیون مستقل انتخابات آقای نورستانی ساده نیست، این طوری نیست که افغانستان را به بحران برسد و بخشی از تاریخ کشور را خراب کند، مردم را نگران کرده و عامل بدبختی مردم افغانستان، مثل نورستانی و کسانی که هم دستش بوده بدون بازخواست بروند.

اصلا حضور اعضای فعلی کمیسیونهای انتخاباتی درست نیست، امکان ندارد که انتخابات باحضور این افراد برگزار شود. کسانی که جدید می‌آیند باید با معیار ملی بیایند، مهره‌های جدید نباید هیچگونه وابستگیهای سیاسی داشته باشند. کمیسیون بعدی که می‌آید باید با معیارات درست و دقیق بیایند.

جناب مسعود! هرگوشه و کنار، این کشور، با چالشهای جدی مواجه است. گذشته از اصلاحات، به تازگی نبرد سیاسی میان استادعطا و جنرال دوستم بار دیگر اوج گرفت که سرانجام منجر به خونریزی شد، در این شرایط حساس، اختلافات سیاسی این دو شخصیت سیاسی افغانستان چقدر افغانستان را متضرر می‌سازد؟

من می‌توانم بگویم حیف من می‌آید که بعد از یک عالم تجربه، بعد از این همه فراز و فرود در افغانستان، کشیدن زحمت، مقاومت و سرانجام به تمام موضوع در محور یک عکس؛ این اختلافات شدید، نگرانی‌های شدید را ایجاد می‌کنند، افسوس من می‌آید که چرا؟

افغانستان نیاز به همگرایی و دوستی دارد، طوری نیست که این قوم و آن قوم، این گروه و آن گروه، افغانستان فعلا در اطراف خود دوستان و دشمنان قوی دارد، مراکز قدرت در داخل زیاد شده و حکومت ضعیف و بی برنامه است، در این طور یک حالت، باید به حال مردم خود رحم کنیم، به تاریخ خود رحم کنیم، در این شرایط و حساسیت خلق کردن از عقلانیت سیاسی دور است. دشمنان مردم زیاد است، برنامه‌های استراتژیک دارند، حتا در نزدیکی‌های ما دشمنان قوی هستند که گروه‌های خطرناکی را وارد می‌کنند، هر روز تقویت می‌کنند، هر روز شاهد از دست دادن فرزندان این سرزمین هستیم، هر روز در برابر یک دشمن کلان قرار می‌گیریم، بعد این‌ها همه این چالش‌ها را کنار گذاشته، حساسیت خلق کنیم، این دور از عقلانیت سیاسی است.

گفتگو از وحید فرزاد



شان مسئولیت یک‌سان خواهند داشت. ضعف اول این است که اراده ندارند و هیچ‌کار مقدماتی را انجام نداده‌اند. فکر میکنم که دکتر اشرف غنی رییس جمهور که باید این کار را کند، آجندای دیگری دارد! نمیدانم که چی هست اما عملی ساختن توافقنامه سیاسی در آجندای او نیست، اگر تا پنج ماه دیگر شاهد برگزاری لویه جرگه قانونی، و شاهد عملی کردن توافقنامه سیاسی و ساختارهای جدید در نظام سیاسی نباشیم، کشور به تراژدی عمیق تری سقوط می‌کند که در این جای شکی نیست.

چیزی که در این شرایط خیلی مهم به نظر می‌رسد، حذف اختلافات میان رهبران حکومت و داشتن دیدگاه واحد برای آوردن اصلاحات در نظام انتخاباتی است، در جریان هستیکه رییس کمیسیون مستقل انتخابات استعفا کرد، آیا این استعفا می‌تواند دروازه اصلاحات را بگشاید و انانی که متهم هستند و می‌روند، آیا لازم نیست که مورد بازپرس قرار بگیرند؟

اگر اراده باشد کار صورت می‌گیرد. به طور مثال، کمیته گزینش را ایجاد کردند، توزیع تذکره‌های الکترونیکی نهایی شده بود، و مجلس هم روی آن توافق کردند اما دیده شد که توزیع نشد، اینها بسیار کارهای ابتدایی بود که نکردند، حالا مسئله نورستانی و امثال آن رفتن و استعفا آن‌ها اهمیتی ندارد، در کل کمیسیونهای انتخاباتی قبلی اهمیت خود را از دست داده‌اند و فکر می‌کنم نه تنها نورستانی بلکه بقیه اعضای

وحدت ملی، مسایل و نیازهای خاص خود را دارد اما سران حکومت، توافق‌نامه‌یی که بر اساس آن، تقسیم قدرت پنجاه-پنجاه بود را شکل دادند. آنها در اصل، روی تقسیم قدرت بگونه مساوی تمرکز داشتند و رقابت شان، قدرت محور بود و نه مشروعیت محور. دو رهبر، مشروعیتی را که در انتخابات نگرفتند، خواستند با امضای توافقنامه سیاسی، کسب کنند. توافقنامه، کاغذپاره باقی ماند و حتی مراحل ابتدایی توافقنامه هم تطبیق نشده است، مثلا ایجاد کمیسیون به خاطر طرح تعدیل قانون اساسی، کمیسیون اصلاح نظام، تذکره الکترونیکی و غیره... اینها را انجام نداده‌اند. اینها نتوانستند یا نکردند، یک قسمت آن نتوانستند، قسمت دیگر، آنچه را که توافق کردند انجام نداده‌اند، توزیع تذکره، کمیسیون اصلاحات نظام انتخاباتی، کمیسیون تعدیل قانون اساسی؛ ببینید پنج ماه از توافقنامه باقی مانده است و این توافقنامه به پایان میرسد و مشروعیت حکومت وحدت ملی کاملا از بین میرود و افغانستان به بحران جدیدتری مواجه خواهد شد.

آقای مسعود! به قول شما پنج ماه دیگر از مهلت توافق‌نامه باقی مانده است، سرانجام آینده افغانستان به کجا خواهد رفت؟

ضعف در داخل حکومت است. حالا که بگویم ضعف از کدام شان است فکر می‌کنم هر دوی شان مسئولیت یک‌سان دارند. در قسمت عملی ساختن توافقنامه، هر دوی شان تلاش کنند، اگر توافق‌نامه شکست بخورد یکی ناکام و دیگری کامیاب نمی‌شود، بلکه هر دوی

منبع: خبرگزاری جمهور

اشاره: احمدولی مسعود برادر سوم شهید

احمدشاه مسعود و رییس بنیاد شهید

احمدشاه مسعود است. وی تا اوایل حکومت

کرزی، سفیر افغانستان در لندن بود.

وی هر از گاهی در خصوص وضعیت سیاسی

کشور، اعلام موضع می‌کند. یکی از طرح‌های

او که مدت زیادی روی آن کار کرد، طرح

"آجندای ملی" بود. در شرایط حاضر، که دو

سال از حکومت وحدت ملی می‌گذرد او نگران

تداوم این حکومت است.

در پیوند به تداوم حکومت وحدت ملی و

احتمال سقوط این نظام، خبرگزاری جمهور

مصاحبه اختصاصی با وی انجام داده است:

تشکر آقای مسعود که وقت تان را در اختیار خبرگزاری جمهور قرار دادید، حکومت وحدت ملی در حال دو ساله شدن است، در این دو سال، کارنامه رهبران حکومت چگونه است و ناکامی‌ها در چه سطحی است؟

متأسفانه در افغانستان، زیر شعار اصطلاحات و نظام گرای، بیشتر آجندای شخصی دارند، یا اشتباهی یا انحرافی و یا هم غلط به کار می‌برند، مثل اینکه در زمان کرزی زیر عنوان مشارکت ملی، هیچ وقت نخواست یک مشارکت واقعی در افغانستان به وجود بیاورد، کسی را در نظام سیاسی شریک نساخت و سرانجام افغانستان به بحران رفت.

ولی از زمان حکومت وحدت ملی تا امروز که دو سال می‌گذرد، زیر شعار حکومت وحدت ملی، تناقض آشکار دیده می‌شود، یعنی بیشتر جمعی از رهبران تلاش دارند تا بتوانند قدرت و ثروت را در افغانستان انحصار کنند، این کاملا با روحیه وحدت ملی و خود وحدت ملی مغایرت دارد. کاری نکردند که هیچ؛ وحدت ملی را نیز برهم زده و از بین بردند، ضعیف کردند، چرا؟ به خاطر اینکه در قالب این شعار، بیشتر به آجندای شخصی پرداختند، البته تعدادی هم به نام قوم خواستند کار کنند، نه به خاطر قوم! فقط به نام قوم نان قوم را خوردند و به نام قوم، آجندای شخصی شان را پیش بردند. پس این حرفها مغایرت با روحیه حکومت وحدت ملی دارد و با این کارها، آنها بحران‌های پیچیده دیگری را نیز در افغانستان ایجاد کردند.

منظورتان از آجندای شخصی چیست؟ آیا بنیاد امضای توافق‌نامه سیاسی میان عبدالله و غنی، پیشبرد منافع شخصی شان است؟

**فیسبوک نامه**

محمد اکرام اندیشمند



**چرا جان کری در مناقشه بر سر عمر دولت وحدت ملی فصل الخطاب است؟**

سفر جان کری وزیر خارجه ایالات متحده امریکا بروز بیست و یکم حمل سال روان ۱۳۹۴ خورشیدی (نهم اپریل ۲۰۱۶) به کابل در واقع به مناقشه بر سر پایان یافتن عمر دولت وحدت ملی تا شش ماه دیگر پایان داد. او عمر دولت وحدت ملی را پنج سال خواند و از عدم تعیین تاریخ پایان این دولت در موافقت نامه سیاسی سال ۲۰۱۴، مبنای تشکیل دولت مذکور سخن گفت.

در حالی که سفر جان کری و موضع گیری او در واقع فصل الخطاب کشمکش و زدو بند چهره ها و گروه های فعال و اثر گذار داخلی در مشارکت بر سر قدرت سیاسی و نشستن بر سرفه قدرت بود، این فصل الخطاب بودن جان کری موجی از انتقاد و نارضایتی را در میان بخشی از جامعه روشنفکری و سیاسی افغانستان ایجاد کرد. برخی این نارضایتی را در نقض استقلال و حاکمیت ملی مشاهده می کنند که مشروعیت دولت و حاکمیت سیاسی افغانستان را وزیر خارجه امریکا تعیین و تثبیت می کند. شماری هم از دست نشاندگی دولت توسط امریکا سخن می گویند و تعدادی به شدت این اقدام و عملکرد امریکا و وزیر خارجه آن را مورد پرسش قرار می دهند که به چه حق و دلیلی آن جان امریکایی برای دولت و حاکمیت سیاسی ما و زمام داران ما مشروعیت زمانی تعیین می کند؟

در این تردیدی نیست که این رویکردهای انتقادی و اعتراضی از منظر احساسات و آرمانگرایی استقلال و حاکمیت ملی و حتی از زاویه قواعد و ضوابط متداول و پذیرفته شده جهانی در مورد استقلال و حاکمیت ملی دولت ها و کشورها، موجه و قابل درک است، اما در میدان عملی و واقعی چنین نیست. وقتی حیات و بقای دولت افغانستان در گرو کمک های مالی و نظامی دولت متبوع و کشور جان کری باشد و پایان این کمک ها، پایان عمر دولت ما باشد، آیا نتیجه غیر از این می شود که است؟ مگر نه این است: «آنکه نان دهد، فرمان دهد». اگر توقع این باشد که امریکایی ها با کمک مستقیم نظامی و مالی خود دولت افغانستان را زنده نگهدارند و مانع سقوطش شوند، اما به زمام دار و زمام داران این دولت و سیاست های شان کاری نداشته باشند، تنها یک توهم و خیالپردازی بیش نیست. دولتی که هزینه حیات و بقای خود را از عاید داخلی خودش و قلمرو حاکمیتش تامین کرده نتواند و صد در صد متکی به کمک خارجی باشد، چگونه می تواند مجزا و مستقل از نفوذ و سیاست منبع و یا منابع کمک کننده به سر برد و از آزادی و استقلال کامل در سیاست داخلی و خارجی خود برخوردار باشد؟

واقعیت بسیار ناگوار و تلخ تاریخی این است که بسیاری از دولت ها و زمام داران معاصر افغانستان همین سرنوشتی را پیموده اند که دولت و زمام داران امروز افغانستان آن را طی می کنند. اگر به گذشته های دور نرویم، کم از کم طی این یک و نیم سده اخیر در این کشور بیگانه ستیز، آزادی دوست، مجاهد و قهرمان، این بیگانه ها و خارجی ها بوده اند که در تعیین و دوام دولت ها و زمام دارانش حرف اول را زده اند و نقش اصلی را داشته اند.

«لیپل گریفین» **Lepel Griffin** مسئول اداره امور سیاسی انگلیس در کابل سردار عبدالرحمن خان را پس از دوازده سال اقامت در سمرقند و تاشکند با نامه خود به کابل خواست و بریتانیا از میان همه سرداران و شهزادگان مدعی امارت و سلطنت او را به تخت کابل نشانده و تا مرگش بر تخت سلطنت از کمک و حمایت انگلیس بهره مند بود. پس از امضای توافقنامه دیورند کمک نظامی و مالی انگلیس ها برای او دو برابر شد. پسرش امیر حبیب الله نیز در سایه این کمک انگلیس سلطنت کرد. وقتی امان الله خان در ۱۹۱۹ اعلان استقلال کرد و وارد جنگ با انگلیس ها شد، از مستمری انگلیس محروم شد و سلطنتش هم دوام نیاورد. انگلیس به جای امان الله خان که مورد مخالفت و شورش داخلی قرار گرفت، با کمک مالی و نظامی خود از سردار محمدنادر خان حمایت کردند و او در سایه این حمایت بر تخت سلطنت جلوس کرد. مگر در دوران حاکمیت و دولت چپ و انقلابی حزب دموکراتیک خلق رهبر و زمام دار حزب مذکور را غیر از شوروی چه کسی تعیین می کرد؟ آیا حفیظ الله امین را شوروی ها نکشند و به جایش ببرک کارمل را به رهبری حزب و دولت نرسانند؟ آیا آن ها سپس ببرک کارمل را از رهبری حزب و دولت کنار نگذاشتند و به جای وی دکتر نجیب الله را در رهبری حزب و حاکمیت قرار ندادند؟ مگر حامد کرزی را امریکایی ها در بن به زمام داری افغانستان نصب نکردند که بیش از سیزده سال در سایه کمک نظامی و مالی امریکا به حکومت ادامه داد؟ حالا اگر کمک مالی و نظامی امریکا قطع شود، آیا دولت فعلی و زمام دارانش در افغانستان می توانند بدون این کمک و یا کمک هر کشور و دولت خارجی به حیات خود ادامه دهند؟

واقعیت این است تا زمانی که افغانستان نتواند از عاید داخلی خودش هزینه و بودجه مورد نیاز دولت را تامین کند، حیات و بقای دولت در گرو کمک خارجی است. ابتدایی ترین بهای این گروهی همین است که جان کری انجام داد.

دولت افغانستان و کشور، نیازمند و درمانده کمک امریکایی ها و خارجی های دیگر است و گریزی از آن ندارد. نکته مهم در چنین شرایط درماندگی و وابستگی به کمک امریکایی ها، استفاده از این کمک ها در جهت راهی از این وابستگی است. این نجات، مستلزم دولت ملی عدالت محور، حکومت داری خوب و سالم، وجود زمام داران صادق و وطندوست با افکار و عملکرد ملی و عاری از تبعیض و بی عدالتی می باشد. اگر در افغانستان دولت سالم، پاسخگو، عدالت محور و قانون مدار بر فساد، و بی عدالتی موجود غلبه نیابد و با استفاده از کمک امریکایی ها و جامعه بین المللی به خود کفایی و استقلال حد اقل نسبی نایل نشود، سرنوشت فقط دو چیز است:

- ۱- وجود جان کری و جان کری ها همیشه و پیوسته منبع دوام عمر دولت ها و زمام داران می باشد.
- ۲- عدم وجود و حضور آن ها یا پایان کمک و حمایت آن ها، نقطه پایان عمر دولت ها و زمام داران است.

**افسر نیروی دریایی امریکا به جاسوسی برای چین و تایوان متهم شد**

افسر نیروی دریایی امریکا به جاسوسی به نفع دولت های بیگانه متهم شده است.

وزارت دفاع امریکا تایید کرده که یک افسر نیروی دریایی این کشور که زاده تایوان است به ظن انتقال اطلاعات نظامی محرمانه ایالات متحده به جمهوری خلق چین یا تایوان یا هر دو کشور بازداشت شده است.

اطلاعاتی که در دسترس رسانه ها قرار گرفته از این فرد با نام «ناخدا سوم ادوارد سی لی» از پرسنل پایگاه هوایی نورفوک در ایالت ویرجینیا، نام می برد اما مشخص نیست که او به نفع جمهوری خلق چین جاسوسی می کرده یا اطلاعات خود را در اختیار مقامات تایوانی قرار می داده است.

نخستین جلسه رسیدگی قضایی به اتهام ادوارد لین روز جمعه گذشته برگزار شد و نتیجه آن به منظور تصمیم گیری جهت پیگرد قانونی این فرد در اختیار فرمانده ناوگان مستقر در پایگاه نورفوک قرار گرفته است.

نخستین گزارش های مربوط به اتهامات ناخدا سوم لین روز یکشنبه در بولتن خبری موسسه دریایی ایالات متحده، که یک سازمان غیرانتفاعی مرتبط با تحقیقات امنیتی است، منتشر شد. در این گزارش آمده که این شخص در ماموریت های بسیار حساس هم شرکت داشته است. خبرگزاری آسوشیتدپرس که به نسخه ای از فهرست اتهامات ادوارد لین دسترسی یافته نوشته است که او به دو مورد جاسوسی و سه مورد اقدام به جاسوسی متهم است. براساس این گزارش، این افسر نیروی دریایی امریکا متهم است که اطلاعات سری مربوط به دفاع ملی را در اختیار نماینده یک دولت خارجی قرار داده با آگاهی از اینکه دولت مورد نظر امکان بهره برداری از این اطلاعات به نفع خود را داشته است.



**انتقاد پوتین از مخالفت برخی کشورها با منع آزمایش هسته ای**

رییس جمهوری روسیه نسبت به مخالفت برخی از کشورهای داعیه رهبری درباره پیوستن به معاهده منع آزمایش های هسته ای مایه تأسف خواند.

ولادیمیر پوتین رییس جمهوری روسیه از کشورهایی جهان دعوت کرد، تا به معاهده منع انجام آزمایش های هسته ای بپیوندند، او از کشورهای جهان خواست با گام نهادن در این مسیر در جهت منع آزمایش هسته ای گام های عملی و جدی برداشته شود، تا در اسرع وقت ممکن شاهد به ثمر نشستن این تصمیم و اراده در جهان باشیم. در بیانیه کاخ کرملین روسیه آمده است: مخالفت برخی از کشورها برای پیوستن به این معاهده، اگر چه خود آن ها عضو فعلی هستند، ولی با امضا این تعهد عضویت آن ها هم رسمی می شود، باعث تأسف فراوان است، در این بین باید به این نکته هم تأکید کنیم که برخی از این کشورها دایه دار رهبری جهان هستند، و از این طریق تلاش می کنند، صلاحیت ها و اختیارات فوق العاده ای به منظور حل مسایل مربوط به امنیت جهانی را به دست بگیرند.

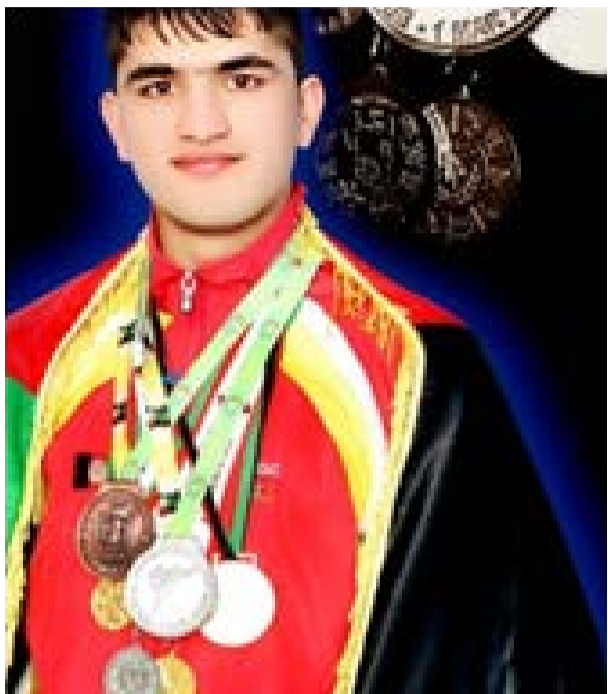
پوتین در بخش دیگری از آن گفته است: روسیه معتقد است که تنها راه برای تضمین اجرایی شدن مفاد این معاهده آن هم در نزدیک ترین موعد ممکن، اولویت بخشیدن به اصل معاهده است.

از این رو امیدواریم جهان کنونی در این روزها که ما در آستانه بیستمین سالگرد تصویب این معاهده از سوی سازمان ملل هستیم، پیشرفت های ملموسی در این بخش شاهد باشیم.

پوتین ضمن یادآوری مجدد این معاهده که در برگزیده سیستم مهم جلوگیری و منع توسعه و گسترش سلاح هسته ای به شمار می آید، گفته است: متأسفانه تاکنون مفاد این معاهده اجرایی نشده است.

رییس جمهوری روسیه در بخش دیگری از بیانیه صادره از کرملین در این خصوص گفته است: آینده و سرنوشت این معاهده به آماده گی همه اعضا در جامعه بین المللی برای پیشبرد اهداف اعلام شده این معاهده بسته گی دارد، هدف اصلی آن همانا عاری شدن کره زمین از سلاح های هسته ای است.

**روی ورزشکاران سرمایه گذاری نمی شود**



**تنگنالی عثمانی**

**لطف کنید اندکی در مورد حبیب الله رستمزاده بگویند؟**

حبیب الله رستم زاده یکی از ورزشکاران کیک بکس و همچنان عضو تیم ملی است و مدت ۹ سال می شود که در رشته کیک بکس تمرین می کند.

**تا به حال چه دست آوردهای داشته اید؟**

در سال ۱۳۸۷ عضویت تیم ملی را کسب کردم، ۹ مدال داخلی گرفته ام که شامل ۴ طلا، ۳ نقره و ۲ برنز می شود. در وزن ۷۲ کیلو گرام در کشور مقام اول را دارم، ۲۵ ستایش نامه از داخل کشور دارم و نیز اجازة نامه های مربی گیری و داوری را نیز دارم. در سال ۲۰۱۳ در مسابقات کشور ایران دو مدال نقره را در سبک های فری فایت و کیک بوکس کسب کردم.

**ورزش چی نقشی در جامعه دارد؟**

آینده کشور را باید در آینده ورزش و آموزش و پرورش جست و جو کرد، باید ورزش را در جامعه گسترش داد، یک اصلاح خوبی در کشور داریم که می گویند: عقل سلیم در بدن سالم است، مردم با پرداختن به ورزش نه تنها از سلامت جسمانی برخوردار خواهد شد، بلکه به دلایل علمی از شادابی، سلامتی ذهن و روان نیز بهره مند خواهد بود. توسط ورزش می توان فسادهای اخلاقی و مواد مخدر را از کشور ریشه کن کرد.

**یک قهرمان دارای کدام خصوصیات باید باشد؟**

یکی از ویژه گی های ورزشکار این است که باید روحیه گذشت و بخشش داشته باشد، در اوج پیروزی و توانایی خدا را فراموش نکند، از ویژه گی های دیگر یک قهرمان ایمان، تقوا و پرهیزکاری است، تقوا و ورزشکار را از پرداختن به مضرات حفاظت می کند.

**چالش های فراراه ورزشکاران افغانستان را در چه می بینید؟**

ورزشکار افغانستان چالش های فراوانی دارند، عمده ترین چالش آن ها از دید من اقتصاد است، بسیار از ورزشکاران ما از این جهت بسیار ضعیف هستند، اما با این وجود شماری از آن ها به ورزش خود ادامه می دهند، در کنار این، مکان های معیاری، وسایل معیاری و... از چالش های دیگر ورزشکاران در افغانستان است.

**خواست تان از کمیته ملی المپیک چیست؟**

اگر این کمیته به چالش های که یاد آور شدیم، رسیده گی کند، می توان بیشترین قهرمان ها را داشته باشیم و دست آوردهای خیلی عظیم خارجی به نام کشورمان رقم بخورد. اگر از ورزشکاران حمایت، و به آن ها انگیزه داده شود، افتخارات رنگینی را به کشور خواهند آورد، حداقل در رشته ورزشی خودم جوانان توان مندی را سراغ دارم که اگر روی شان سرمایه گذاری شود می توانند با بهترین ورزشکاران دنیا رقابت کنند، متأسفانه هیچ کسی به آن ها توجه ندارد.

**پیام تان به جوانان چیست؟**

جوانان باید از اوقات فراغت خود استفاده خوب و جایز کنند، به فعالیت های ورزشی، دینی، فرهنگی، هنری و سایر فعالیت های موثر بپردازند، نقش جوانان در ساختار جامعه و در ترقی و پیشرفت بسیار مهم است، به هر ورزشی که علاقه دارند بپردازند. به خاطر سلامتی خود و جامعه خود این کار را کنند.

## لغزش سنگ در ولایت کنر ۷ عضو یک خانواده را کشت



به اثر لغزش سنگ بالای بام یک خانه در ولایت کنر، هفت عضو یک خانواده کشته و یک عضو دیگر آن زخمی شد. جنرال حبیب سید خلیلی قوماندان امنیه ولایت کنر، طی تماس تلفنی به خبرگزاری رصد گفت که این رویداد شب گذشته (دوشنبه) در دره دیوه گل ولسوالی خوکی ولایت کنر رویداده است.

به گفته آقای سید خلیلی کشته شدگان یک زن و شوهر، دو پسر و سه دختر این خانواده می‌باشند. آقای سید خلیلی گفت که در این رویداد یک عضو این خانواده زخمی شده که اکنون به شفاخانه ملکی این ولایت منتقل شده و وضعیت صحی‌اش نیز قناعت بخش می‌باشد.

## جنگ داعش و طالبان بر سر تصاحب یک معدن در ولایت غور

این مقام بلند پایه امنیتی که خواست نامش فاش نشود به خبرگزاری رها گفت گروه تروریستی داعش و شورشیان طالبان بر سر تصاحب این معدن درگیری‌های شدیدی را میان خود آغاز کرده‌اند.

این مقام همچنین می‌افزاید که زد و خوردهای شورشیان طالبان و جنگجویان گروه داعش از یک هفته پیش آغاز شده بود که اخیراً اما شدت یافته است.

وی می‌گوید که این معدن در ولسوالی چهارسده ولایت غور واقع شده است.

این اما در حالیکه که عبدالاحی خطیبی سخنگوی والی غور در تماسی تلفنی به خبرگزاری رها گفت تاکنون در این خصوص گزارشی دریافت نکرده است.

آقای خطیبی گفت که گروه داعش در این ولایت حضور فیزیکی ندارد و برخی از گروه‌هایی که در «دره مرغاب» این ولایت حضور دارند وابسته به گروه طالبان می‌باشند.

خطیبی می‌افزاید که نهادهای کشفی و استخباراتی ولایت غور در تلاش هستند تا از حضور داعش در این ولایت جلوگیری به عمل آورند.

سخنگوی والی غور در حالی این سخنان را مطرح می‌کند که گفته می‌شود جنگجویان گروه تروریستی داعش در منطقه «فاخور» ولایت غور حضور دارند که اکثر برنامه‌های شان را از آنجا طراحی و اجرا می‌کنند.

پیش‌تر نیز گزارش‌هایی مبنی بر اینکه جنگجویان گروه تروریستی داعش در برخی مناطق و قریه‌های دور افتاده ولایت غور حضور دارند منتشر شده بود.



## ۹ ورزشکار بانو تقدیر شد



ابوبکر مجاهد

در همایشی به منظور تجلیل از روز جهانی ورزش دیروز (سه شنبه ۲۴ حمل) در مجتمع جامعه مدنی افغانستان برگزار شده بود، از ۹ ورزشکار برتر زن تقدیر شد.

معصومه حسینی، صدفه رحیمی، زهره نبی‌زاده، مرسل خدری، گیتی رحیمی، معصومه علی‌زاده، کیمیا یوسفی، هاجر ابوالفضل، انجیلا نیازی، از ورزشکاران بودند که مورد تقدیر قرار گرفتند.

این ورزشکاران در عرصه‌های فوتبال، باسکتبال، اسپسواری، بایسکال رانی، تکواندو، کراته و والیبال مسابقات را انجام داده‌اند.

اشتراک‌کننده‌های این محفل بایان این‌که ورزش برای «توسعه و صلح» است، اذعان کردند که سازمان ملل متحد روز جهانی ورزش را به نام ورزش «توسعه و صلح» مسما کرده است.

افغانستان افتخار آورده‌اند، در حقیقت پیام آور صلح به‌این کشور است.

آنان ابراز کردند: تجلیل از روز جهانی ورزش تجلیل از صلح است و ورزشکاران که به

## برایند سخنان کری؛

## خشم و اتهامات مداخله‌جویانه بر امریکا



شد و نیازمند تعدیل قانون اساسی است.

کری روز شنبه در پاسخ به سوال یک خبرنگار افغان در مورد مدت پایان حکومت وحدت ملی که تقریباً شش ماه دیگر ماند است، گفت: «تاریخی برای پایان این توافق‌نامه، نه در ختم دوسال و نه هم تا شش ماه بعد از حالا، وجود ندارد این توافق‌نامه برای حکومت وحدت ملی است که مدت آن پنج‌سال می‌باشد».

کری برخلاف تمامی منتقدان حکومت غنی که می‌گویند این لویه جرگه برای رفع ناکامی‌های حکومت در امور سیاسی، اقتصادی و امنیتی الزامی می‌باشد، گفت که برگزاری لویه جرگه «یک هدف» است نه شرط.

محمد عمر داوودزی، وزیر داخله سابق که یکی از منتقدان مطرح حکومت وحدت ملی است گفت، برگزاری فوری لویه جرگه برای آوردن اصلاحات در حکومتی که به گفته‌ی او «بیمار» است، ضروری می‌باشد.

داوودزی روز دوشنبه در مطلب تویتری‌اش گفت: «مدت این حکومت وحدت ملی وابسته به محبوبیت آن برای مردم افغانستان می‌باشد».

حکومت افغانستان هم‌زمان با اوضاع خراب اقتصادی و تشدید حملات طالبان علیه نیروهای امنیتی برای استیلا بر مناطق شمالی و جنوبی این کشور، با سلسله‌ای از بحران‌های دیگر نیز مواجه می‌باشد. سال گذشته، صدها هزار افغان، کشورشان را ترک کردند که نشان‌دهنده یک بی‌اعتمادی گسترده نسبت به این حکومت است؛ حکومتی را که بسیاری از افغان‌ها تحمل‌شده از جانب امریکا می‌بینند.

خشونت‌ها ادامه دارد. روز دوشنبه، یک بس نظامی که کارمندان را به خارج از شهر جلال‌آباد انتقال می‌داد،

هدف حمله انتحاری قرار گرفت که در اثر آن، ۱۲ نفر کشته و ۳۸ تن دیگر زخمی شدند. مسئولیت این حمله را طالبان به عهده گرفتند. در اوایل همین روز، یک بس حامل کارمندان وزارت معارف در اثر انفجار یک بمب کنترجاده‌ای نابود گردید و دو تن کشته شدند.

منتقدان می‌گویند توافقی که دو رقیب سابق انتخاباتی و تیم‌های‌شان را کنار هم آورد، حکومت بزرگی را تشکیل داد که به شدت درگیر کشمکش درونی شده است و در برگزاری انتخابات پارلمانی، آوردن اصلاحات در نهادهای انتخاباتی یا توزیع شناسنامه‌های برقی، ناتوان بوده است. تمام این اقدامات اصلاحاتی در این توافق‌نامه ذکر شده‌اند.

در حالی که مقامات اداره اوپاما در گفتگوهای خصوصی از غنی و عبدالله خواسته‌اند تا به اختلافات درونی‌شان پایان بدهند و اصلاحات ذکر شده را انجام بدهند، اما این مقامات از انتقاد علنی بر این حکومت خودداری کرده‌اند. حدود ۹۸۰۰ سرباز امریکایی، اکثراً در نقش مشوره‌دهی به نیروهای افغان، در این کشور باقی مانده‌اند. اما برای اکثریت افغان‌ها، اظهارات کری فراتر از خطه، به نظر می‌رسد.

فضل‌هادی مسلمیار، رئیس مجلس سنای افغانستان روز یکشنبه گفت: «ما شدیداً اظهارات جان کری را رد می‌کنیم و آن را مداخله روشن در امور داخلی افغانستان می‌دانیم».

یکی از مقامات سابق که اجازه صحبت با رسانه‌ها را نداشت، گفت: «در حال حاضر مردم از کری می‌پرسند: «شما کی هستید که در مورد سرنوشت ما تصمیم می‌گیرید؟ شما حتی پس از ۱۵ سال نتوانستید صلح و امنیت را بیاورید».

بسیاری از مراحل توافق‌نامه ماه سپتامبر سال ۲۰۱۴ عملی و برآورده نشده‌اند. یکی از مهم‌ترین آنها، برگزاری انتخابات شوراهای ولسوالی‌ها بود که راه را برای برگزاری لویه جرگه هموار می‌کرد.

در ماه جنوری، کمیسیون مستقل انتخابات، تاریخ ۲۵ ماه اکتبر را تاریخ برگزاری انتخابات پارلمانی و شوراهای ولسوالی‌ها اعلام کرد که پیش از پیش، ضرب‌الاجل دوساله توافق‌نامه را از دست داده است. اما در ماه جاری، رئیس کمیسیون مستقل انتخابات، آقای یوسف نورستانی که به تقلب و جانبداری در انتخابات ۲۰۱۴ متهم شده بود، استعفا کرد.

عبدالله روز دوشنبه انتقادهای حکومت را رد کرد و گفت که سیاست‌مداران اپوزیسیون در مورد توافق‌نامه سال ۲۰۱۴ اشتباه فهمیده‌اند.

او گفت: «امیدوار هستم آنانی که فکر می‌کنند در آینده سیاست افغانستان سهم داشته باشند، بتوانند توافق‌نامه را بخوانند. این توافق‌نامه برای آینده کشور حیاتی است و انتظار می‌رفت تا سیاست‌مداران ما آن را با دقت می‌خواندند و می‌دانستند که در آن چه است».

منبع: لوس‌آنجلس تایمز